



کارگاه آموزشی شناخت نسخ خطی تمدن اسلامی (بخش ۲)

نوشته‌ای که پس از این یادداشت درج شده، متن سخنرانی استاد فرانسیس ریشار در کارگاه آموزشی «شناخت نسخ خطی تمدن اسلامی» است که در روزهای دهم تا چهاردهم شهریورماه سال ۱۳۸۶ش به کوشش «کمیته فرهنگ و تمدن اسلام و ایران» با همکاری «سازمان اسناد و کتابخانه ملی» برگزار شد. بخش اول این سخنرانی در گزارش میراث شماره ۱۵ و ۱۶ (آذر و دی ۱۳۸۶ش) به چاپ رسید و اینک بخش دوم آن می‌آید. برای برگرداندن سخنرانی به نوشته، ناچار تصرفاتی در متن اعمال شده است.

اگر به تاریخ مجموعه‌ها و فهرستهای نسخ خطی نظری بیفکنیم، خواهیم دید که در طی دو قرن اخیر، کتابخانه‌های عمومی در نقاط مختلف دنیا تأسیس شده و از کتابخانه‌های خصوصی بزرگ‌تر شدند. اگر به اروپا نظر کنیم، می‌بینیم که در فرانسه چهار نسل کتابخانه شاهی و ملی وجود داشته؛ یا در انگلستان از میانه قرن هجدهم میلادی، کتابخانه بریتانیا تأسیس شد. در کنار آن کتابخانه‌های دانشگاهی نیز به سمت نوعی نظم‌دهی و تشکیل کتابخانه‌های واقعی حرکت می‌کنند. همین‌طور در شرق، توسعه کتابخانه‌های عمومی از یک قرن پیش آغاز شد و در زندگی مردم اهمیت پیدا کرد و این یک موضوع جالب توجه و مهم است. کتابخانه‌هایی که به نگهداری متون گذشته می‌پرداختند،

همیشه هدف داشتند که تمام میراث مکتوب را حفظ کنند. نمونه‌های اندکی را سراغ داریم که مثلاً فقط به گردآوری متون طب یا متون ادبیات پرداخته باشند. به طور کلی، وقتی کسی شروع به جمع‌آوری نسخه‌های خطی می‌کند، همه چیز را جمع می‌کند. شاید متخصص یک علم خاص باشد یا به موضوعی خاص بیشتر اعتنا داشته باشد، اما این محدوده، دنیایی است که یگانگی دارد. هدف این کتابخانه‌ها در وهله اول خدمت‌کردن به متخصصین و علما و کسانی بود که برای افراد مهم کتاب می‌نوشتند یا در خدمت آنها بودند.

این موضوع در خاور وجود داشت برای اینکه دربار بسیاری از بزرگان، یک عده مؤلفین معروف را جذب خود می‌کردند و این دانشمندان به صورتی مداوم در جلسات شرکت می‌کردند و شاهان و وزرا کتابهای خود را در اختیار این مردان قرار می‌دادند. این مجالس، ساختاری شبیه به آکادمی را داشت. در اروپا نیز همین‌گونه بود. کتابخانه‌های عمومی جایگاهی بود برای گرد هم آمدن افراد باسواد که می‌آمدند و تحقیق می‌کردند، رونویسی می‌کردند، تبادل نظر می‌کردند و محیطی بوده که بعضی وقتها جلساتی تشکیل می‌شد و در این جلسات، کارهای نسخه‌شناسی می‌کردند. مثلاً در اروپا جالب است که می‌بینیم که در برخی موارد، جلساتی را تشکیل می‌دادند و گروهی از متخصصان عربی و غیره اطلاعات خود را یادداشت و مبادله می‌کردند و نتیجه این جلسات، فهرست‌نویسی و چاپ‌کردن فهرست‌های اولیه بود.

حتی در میان فهرستهای چاپی در فرانسه، از اولین فهرست که مربوط به کتابخانه سلطنتی فرانسه بود، نخستین بار «فهرست نسخه‌های خطی شرقی» منتشر شد و این کار حتی پیش از فهرست لاتینی — که در سال ۱۷۴۰م بود — انجام شده است. به عبارتی می‌خواهم بگویم که این تحقیقات، هیچ‌گاه حد و مرزی نمی‌شناخت و به همین دلیل دامنه کار همیشه افزایش یافته است.

یک مطلب دیگر را نیز باید در مورد تاریخ فهرست‌نویسی اروپایی در نظر بگیریم و آن اینکه در این زمینه، همیشه متخصصان زبان یونانی رهبری مطالعات در زمینه نسخه‌های خطی را بر عهده داشتند چرا که یک میراث محدود — با نسخه‌هایی اندک — در اختیار آنها بود. نسخه‌هایی بدون کلفون (انجامه) که بررسی آنها

قرار داد که در این طرح، نسخه‌هایی معرفی می‌شود که جالب توجه بوده، تاریخ کتابت داشته و اطلاعاتی همچون مکان کتابت در آن موجود باشد. در کاربرگه‌های این طرح، ضمن ثبت اطلاعات فوق‌الذکر، تصویری از صفحات میانی نسخه را هم قرار می‌دهیم تا مردم بتوانند موارد مورد نظر خود را با نسخه‌های این طرح، مقایسه کنند. ویژگی این طرح این است که مثلاً وقتی کسی با یک نسخه بی‌تاریخ یا مشکوک مواجه می‌شود، می‌تواند تا حدودی دریابد که نسخه مورد نظر وی مربوط به چه ناحیه و دوره‌ای می‌باشد.



درباره هنر خط البته باید یادآور شوم که شما در ایران کتاب‌های زیادی در دسترس دارید و خواهید داشت و این موضوع به یک «علم» تبدیل شده است. با وجود این منابع، شناسایی کاتبان، خوشنویسان و کسب اطلاعات گوناگون در این زمینه آسان شده است.

البته وقتی که ما درباره نسخه خطی کار می‌کنیم باید تعداد زیادی از کتابهای مرجع را در اختیار داشته باشیم. مثلاً به کتابهایی نیاز داریم که درباره شناسایی خوشنویسان نوشته شده است. یا کتابهایی که لیستی از نامهای کاتبان را دارند تا بتوانیم مراجعه کنیم.

البته یکی از مشکلاتی که فهرست‌نویسان با آن برخورد می‌کنند این است که نیاز به منابع دارند. خیلی مشکل است که یک فهرست بنویسید بدون اینکه به فهرست کتابخانه‌های دیگر و فهرست‌های مشترکی چون فهرست‌های آقای منزوی دسترسی داشته باشید. کسی که به کتابخانه‌ای در نقاط دورافتاده فرستاده می‌شود، اگر بخواهد نسخه‌های آنجا را فهرست کند، باید تعداد زیادی از اطلاعات

به طور کلی با مشکلات زیادی همراه بود. چه درباره تاریخ‌گذاری نسخه‌ها و چه در زمینه شناخت متنها.

اینها همیشه به کاغذ، علامات مختلف موجود در نسخه و همین‌طور شناسایی خط اعتنای زیادی داشتند؛ به همین دلیل علم کالیوگرافی ایجاد شد و تصور بر این بود که وسیله‌ای نسبتاً ساده برای شناسایی تاریخ و مکان کتابت خواهد بود.

اولین قدم در این زمینه درباره خط عربی در زمان انقلاب فرانسه از سوی سیلستر دوساسی برداشته شد که عقیده داشت ابتدا خط کوفی پدید آمد و پس از آن، خط‌های دیگر. او از کتابها و نسخه‌هایی که در دست داشت استفاده کرد و با بررسی و استفاده از آنها، توصیفی تاریخی درباره خطها پدید آورد.

گمان من بر این است که امروزه در این زمینه پیشرفت نسبتاً زیادی داشته‌ایم؛ اما هنوز هیچ متنی درباره کالیوگرافی خط عربی نداریم؛ چرا که در این زمینه مشکلات خاصی وجود دارد؛ به‌خصوص وجود عنصر «خوشنویسی» که باعث شده تا مشکلات این کار بیشتر شود. از یک طرف کاتبان بسیاری بودند که به صورت ساده می‌نوشتند — چه به نسخ و چه به نستعلیق — بدون اینکه به خوشنویسی اعتنای چندانی داشته باشند؛ از سوی دیگر خوشنویسانی وجود داشتند که خط را به عنوان یک هنر می‌شناختند و سبکهای مختلفی را برای این هنر پدید آوردند. این شیوه نیز به هر حال در روش نوشتن عامه مردم و کاتبان عمومی نفوذ داشته است و بدین علت ما در علم کالیوگرافی با مشکلاتی مواجه هستیم.

من و دوستانم، فرانسوا دروش، پروژه‌ای را در دست اقدام داشتیم که آهسته آهسته پیش رفته است. در این طرح، فیشهایی از نسخه‌های خطی تاریخ‌دار و دارای مشخصات دقیق را به شیوه‌ای خاص تنظیم و گردآوری کردیم که بخشی از آن به چاپ نیز رسید و خبر خوبی که دارم این است که نتایج آن طرح، اکنون در اینترنت قرار داده شده است. این سایت به زبانهای فرانسه، انگلیسی و عربی با نام NOUVELLE DES MANUSCRITS DES MOIN ORIENT طراحی شده و قابل استفاده است.

اکنون می‌توانیم امیدوار باشیم که امکان افزودن فیشهای بیشتر به آن مجموعه وجود دارد و هر کسی می‌تواند در این کار شرکت کند. فقط باید این را مدنظر

نسخه‌ها را یادداشت کند تا بتواند بعداً با مراجعه به منابع، دریابد که چه چیزهایی را درست متوجه شده و در چه مواردی اشتباه کرده است. چرا که همیشه نمی‌توانیم به آن اطلاعات گردآوری شده و برداشتهای خود اطمینان داشته باشیم. مثلاً ممکن است که ما یک مثنوی (منظومه) را به‌خوبی بشناسیم و بعداً با نسخه‌ای از یک منظومه متفاوت مواجه شویم که بیت آغازین آن با منظومه اول عیناً یکی باشد. یا اینکه کاتب یکی از دو نسخه، بیت آغازین از منظومه دیگر را اشتبهاً در آغاز این منظومه آورده باشد و ما را دچار اشتباه کند. به همین دلیل احتیاج به مراجعه و استفاده از منابع زیاد داریم.

باید در نظر داشته باشیم که پیشرفت فهرست‌نویسی مرتبط با پیشرفت کتابشناسی، تاریخ کتاب‌پردازی و کتاب‌آرایی و مرتبط با پیشرفتهای فنی مثلاً در زمینه کامپیوتر و همچنین پیشرفت شبکه‌بندی بین کتابخانه‌ها می‌باشد. فکر می‌کنم که در زمینه کار ما، باید شبکه‌ای بین‌المللی میان کتابداران و کتابخانه‌ها پدید آید. این موضوع البته با بعضی مشکلات مواجه می‌شود، ولی به هر حال، یک ایده بسیار بسیار مهم برای آینده است. به هر حال ما در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که وسیله‌های جدیدی در اختیارمان قرار گرفته و می‌توانیم با کمک این وسیله‌ها گامهای بزرگی برداریم.

الآن بیشتر نسخه‌های خطی موجود در کشورهای اروپایی فهرست‌نویسی شده است، اما هنوز هم جاهایی هست که هیچ فهرستی ندارند. مخصوصاً در شهرهای کوچک یا مجموعه‌های خصوصی. بنده به‌تازگی شنیدم که در شهر غازان در روسیه حدود یک سال پیش جلد اول از فهرست یکی از کتابخانه‌ها چاپ شده است و از قرار معلوم، شمار نسخه‌های خطی در آنجا زیاد است. این‌گونه اطلاعات برای ما سودمند است و ممکن است تا مدتها کسی خبردار نشود که چنان فهرستی منتشر

شده است. سایتهای کتابداری و کتابشناسی که درباره چاپ فهرستها اطلاع‌رسانی می‌کنند، در این زمینه خدمت بسیار مهمی انجام می‌دهند. از این دست سایتها در ایران چند نمونه هست که می‌شناسیم، اما در اروپا فقط NOUVELLE DES MANUSCRITS هست که کامل نیست و باید با سایتهای مختلف دنیا اتصال داشته باشد. این سایتها بهترین وسیله برای آگاهی از کارهای جدید و همچنین مقالات مهمی است که در این زمینه نوشته شده است. مثلاً مقالاتی که درباره کاغذ و غیره نوشته شده است.

نکته مهم دیگر، لزوم توجه به کارهای گروهی است. می‌دانیم که هدف کتابشناسی و نسخه‌شناسی، معرفی کامل یک کتاب و نسخه است. وقتی یک متخصص علم نجوم بخواهد نسخه‌ای از یک دیوان یا متن ادبی را معرفی کند، با مشکلات زیادی مواجه می‌شود و ممکن است در کار خود دچار اشتباه شود؛ یا کسی که متخصص ادبیات است، در هنگام مواجهه با نسخه یک «زیج» همین وضعیت را خواهد داشت. چنین اشخاصی در نهایت می‌توانند تاریخ کتابت نسخه و اطلاعات نسخه‌شناسی آن را بررسی کنند و تحلیل و شناسایی درست این متون در حیطه تخصص آنها قرار ندارد. بنابراین اگر نسخه‌های مرتبط با علوم مختلف، توسط متخصصان همان رشته فهرست شود، نتیجه دقیق‌تری به دست خواهد آمد و از اینجا، لزوم پرداختن به «فهرست‌نویسی گروهی» روشن می‌شود.

یکی دیگر از ملزومات فهرست‌نویسی، آشنایی با زبان‌های مختلف است. البته این آشنایی تا حدی که بتواند ما را برای استفاده از مندرجات فهرستهای دیگر کمک کند، کافی است. مثلاً اینکه بتوانیم دریابیم که در فلان فهرست که به زبان روسی است، چه اطلاعاتی درباره متن، نسخه یا کاتب، نقل شده است.

ادامه دارد

بانک اطلاعاتی نسخه‌های خطی ایران

اکبر ایرانی^۱

الحمد لله الناشر في الخلق فضله و الباسط فيهم بالجود يده

(خطبة يكصدم نهج البلاغه)

عرايض خود را با اين آيه كريمه آغاز مي‌كنم كه «و ما تقدموا لانفسكم من خير تجدوه عندالله»: و آنچه از خير و نيكي پيشكش مي‌كنيد، آن را نزد خدا خواهيد يافت. و چه پيشكشي بهتر از كتاب به قول منتبّي: «و خير جليس في الانام كتاب».

كتاب بهترين مونس و همدم انسان است و امروز روز جشن كتاب خطي، روز رونمايي و چهره‌گشايي از يك آرمان است؛ روز شادي همه كساني است كه دستنويسی

از آنها در يكي از كتابخانه‌هاي ايران ناشناخته مانده بود و امروز گرد نسيان از آن زدوده مي‌شود.

امروز روز يادمان و زنده‌نگه‌داشتن نام و ياد آقا بزرگ‌ها، دانش‌پژوه‌ها، آقا عبدالعزیزها و ابن يوسف‌هاست و روز تقدير و سپاسگزاري از منزوي‌ها، انوارها و افشارهاست.

من امروز را

روز تجلی فرهنگ مکتوب ایران اسلامی می‌دانم که کلید دسترسی آسان (easy access) بانک نسخ خطی ایران بر بلندای بام شبکه جهانی اینترنت قرار می‌گیرد تا دستیابی به نام و نشان آثار مکتوب فرهنگ و تمدن اسلامی، همگانی و جهانی شود و تا به قول استاد دکتر شفیعی کدکنی مردم دنیا بدانند فرهنگ و تمدن اسلامی ایران چه دریای بی‌کران و ناشناخته و غنی و ذخاری است. در اینجا به دلیل کمی وقت تنها به یک نمونه تاریخی از این تمدن تاریخ‌ساز اشاره می‌کنم.

صاحب‌بن عباد را همه می‌شناسیم. وزیري شاعر و

عالمی کتابدوست در دربار آل‌بویه بود. چنان شیفته کتاب بود که ابن خلکان (۶۸۱ق) در وفیات‌الاعیان ذیل شرح حال ابوالفرج اصفهانی می‌نویسد: «انه كان في اسفاره يستصحب حمل ثلاثين جملا من كتب الادب ليطالعها، فلما وصل اليه كتاب الاغانى لم يكن بعد ذلك يستصحب سواه استغناءً». یعنی: او در هر سفری سی بار شتر کتاب همراه خود می‌برد تا اوقات فراغت را با کتابهای کتابخانه سیار خود پر کند. وقتی کتاب بیست و چندی جلدی اغانی به دستش رسید، کتابهای دیگر را کنار گذاشت و مطالعه اغانی را آغاز کرد. این عبارت نشان‌دهنده اهمیت اغانی و کتابخوان بودن این وزیر شیعی ایرانی حکومت دیالمه است. از این مهتر اینکه وی بزرگترین کتابخانه آن روزگار را دارا بود. ابومحمد خازن اصفهانی که خود

عالمی بزرگ بود و در تألیف دستی داشت، امر مهم خازنی و کتابداری کتابخانه صاحب را بر عهده داشت. در این دوران ابوعلی مسکویه معروف به خازن که تاریخ، تجارب‌الامم او کم‌نظیر و در اخلاق، طهارة‌الاعراق او زبازد است، کتابدار کتابخانه عضدالدوله دیلمی بود. در



عظمت کتابخانه شخصی صاحب‌بن عباد همین بس که تنها فهرست کتابهایش بالغ بر ده مجلد ذکر شده است. ویل دورانت در تاریخ تمدن خود می‌نویسد: اگر تمام کتابخانه‌های اروپایی آن روزگار را جمع می‌کردند، به اندازه کتابخانه صاحب‌بن عباد نمی‌شد. این مشت نمونه خروار از اعتراف این مورخان و شرق‌شناسان است که به عظمت تمدن اسلامی اذعان می‌کنند؛ زیرا اینان به دلیل شناختی که از نسخه‌های خطی فارسی و عربی موجود در

۱. متن سخنرانی در افتتاحیه بانک اطلاعات نسخ خطی، کتابخانه ملی، تهران، ۱۴ مرداد ۱۳۸۷.



مراجعه می‌کنند و با یک جستجوی ساده نام و نشانهای بسیاری را می‌یابند که اصلاً تصور آن را نمی‌کردند و گاه ناچار می‌شوند کار خود را کنار بگذارند و سراغ نسخه‌های قدیمی‌تری بروند که از رهگذر این بانک بدان دست یافته‌اند.

بی‌شک با پیدایی و ظهور این بانک کار تصحیح متون رونق دوچندان می‌گیرد. نقصان بسیاری از کارهای مصححان پیشین، به دلیل خبر نداشتن از محل نگهداری نسخه‌های دیگر، آشکار می‌شود و ضرورت بازچاپ آثاری که با یک یا دو نسخه تصحیح شده‌اند روشن می‌گردد.

و چون بیش از ۲۵۰ هزار نسخه خطی شناخته‌شده در کتابخانه‌های ایران هنوز فهرست نشده است، پس سالهای دیگر هم باید صبر کرد تا برگهای زرین دیگری از این کتاب بزرگ تمدن اسلامی آشکار گردد. زیرا صدها جلد فهرست باید تهیه و به این بانک افزوده شود.



آرزوی دیگر آقای گلباز این است که فهرس نسخه‌های خطی فارسی و عربی موجود در دیگر کشورها را به صورت هندلیست و فهرست نامگوی ترجمه کند و در این بانک قرار دهد. به امید آنکه زمانی فرا رسد که ما در این بانک فهرستی از تمام نسخه‌های خطی اسلامی ایران و جهان را داشته باشیم.

کتابخانه‌های دنیا دارند و خود بسیاری از این نسخه‌ها را فهرست کرده‌اند، نیک می‌دانند چه گنجینه‌های گرانبهایی در کتابهای اروپایی و غیرو نگهداری می‌شود به طوری که بیش از ۱۵۰ جلد از این فهرس تاکنون به زبانهای مختلف چاپ شده است.



امروز نهال پربار بانک نسخ خطی ایران به همت والای ناصر گلباز به ثمر نشست و ما اکنون خوشه‌چین این شجره طیبه هستیم. این جوان سخت‌کوش، به رغم تمام فراز و نشیبها و مرارتها و بی‌مهریها دست از کار نشست و از پای ننشست، بلکه کمر همت بست و این کار بزرگ را به انجام رساند. من به سهم خود به او خسته نباشید، دست مریزاد و تبریک می‌گویم، و نیز به همه کسانی که او را یاری کردند.

بی‌شک یکی از پیش‌فرضها و اصول شناخته‌شده برای تحقق مهندسی فرهنگی، بسترسازی برای احیای تمدن اسلامی است و این عملی نخواهد شد جز با حمایت از این‌گونه طرحهای بنیادی و پژوهش آثار ارزشمند پیشینیان و قهراً با اطلاع‌رسانی دقیق می‌توان نسل امروز را با کارنامه درخشان نیاکان خود آشنا ساخت.

از امروز که استفاده از این بانک همگانی، عمومی بلکه جهانی می‌شود، چه بسیارند محققانی که در حال حاضر آثاری را در دست تصحیح دارند، وقتی به این بانک